



۲۰۱۹/۰۵/۲۳



مرجان کمال

اسلام و اقتدار سیاسی نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری
قسمت اول



بعد پرپر شدنت ای گل زیبا چه کنم
من به داغ تو جوان رفته ز دنیا چه کنم
بهر هر درد دوایی ست مگر داغ مرجان
من به دردی که بر او نیست مداوا چه کنم



اسلام و اقتدار سیاسی

اهمیت اسلام در افغانستان در واقع قبل از نو سازی (modernisation) افغانستان در اخیر قرن نهم و مخصوصاً در شروع قرن بیستم و بعد از آن در سکتور های مختلف جوامع دهات و قصبات، که اسلام یگانه منبع اساسی تعلیم و تربیه در نزد اهالی بوده است، منشأ می گیرد.
به این ترتیب قبل از به وجود آمدن اولین مکاتب غیر مذهبی (séculières) در کابل، تمامی اشخاص تعلیم یافته، دروس مذهبی آموخته اند.

فرهنگ، پرورش و تربیت اسلامی به معنی وسیع آن، یعنی یک مجموعه دستورات و احکام، آداب مذهبی و عملی کردن آن سبب تشکیل یک فرهنگ که توسط همه افشار و کنگوری هایی مختلف به صورت یکسان قبول و عملی می گردد. تا به اخیر قرن نوزدهم میلادی شخصیت های مذهبی نظر به این که تعلیمات، تفسیر و توضیح احکام شرعیت و ادارات قضایی را به عهده داشتند، از یک تأثیر و نفوذ قابل ملاحظه برخوردار بودند. به همه حال تعدادی کم روحانیون از دولت معاش می گرفتند، یک تعداد با گرفتن یک نوع تکس یا مالیه از اهالی محل ای که در آن زندگی می کردند امرار حیات می نمودند.

مؤلف اولسن استه (OLESEN Asta) از اشکال مختلف وظایف اداری که توسط شخصیت های مذهبی قبل از سال 1880 میلادی که به آن اشتغال و رسیدگی می کردند نشان می دهد، با اشاره به مشاهدات که توسط الفین ستون (Elphinstone) به عمل آمده است:

«ملا پاشی، عضو شورای علما (Majles - e -Ulamâs) شورایی ارتباطی بین قوای اجرائیه و ملاها. شیخ الاسلام: که وظیفه اداری و تقسیم معاشات ملاها را تحت نظارت مقام های اداری ولایات به عهده دارند. حاکم (Hâkem-s): که وظیفه ثبت و راجستر نمودن زمین هایی که به دسترس شخصیت های روحانی توسط پادشاه گذاشته شده است و یا هم در اختیار شخصیت های دیگر مانند قاضی ها که از طرف دربار منصوب شده اند، و تنها در شهرها وظیفه اجرا می کنند، تعدادی کم آن ها از طرف دولت حق الزمه داشته و عموماً از طرف اهالی محل اعاشه می شوند، و بعضاً تنها در صورت حل یک قضیه برای شان مزد داده می شد.

مفتی (Mufti): عضو بدون معاش کارکنان محاکم.

داروغه (Dârughâ): نظارت گر اقامه دعوی قضایی.

محتسب (Muhtasib): ملا، وظیفه دادن دروس اخلاقیات برای عامه، و مجری صحه گذاشتن به جزا در مطابقت به شرعیت».

در زمان جنگ اول افغان و انگلیس شخصیت های مذهبی در صحنه سیاست یک رول قابل ملاحظه داشتند. «تقابل و مخالفت به حضور انگلیس ها [در اثنای جنگ اول افغان و انگلیس] س - نوید (S. Nawid) می نویسد، از شهر کابل شروع و به سرعت در ولایات مختلف وسعت پیدا می کند. و از مساجد به حیث مرکز اطلاعات استفاده می گردید».

در شهر غزنی یک شخصیت مذهبی به نام سید قسیم فعالیت مسلحانه را آغاز کرده بود که به مرگ دگروال هیرنگ (Colonel Herring) می انجامد.

بعد از آن میر مسجدی مردم را به جهاد در منطقه کوهستان در شمال کابل فرا می خواند. یک تعداد مساجد، جهت فراخوانی جهاد و خدمات لوژیستیکی و فعالیت های دسته جمعی و بسیج نمودن جنگجویان رول خیلی ها بزرگ را بازی نمودند.

بعد از جنگ اول افغان و انگلیس، روابط دولت - جامعه از آن به بعد، به شکل یک مثلث بین دربار، سران قبایل و شخصیت های مذهبی به وجود آمد.

در این قسمت اول هدف و منظور این است تا از لا به لای تحلیل و انالیز، دینامیک میکانیزم های سیاسی و اجتماعی که توسط درج نمودن در بین ساحه سیاسی و ساحه مذهبی به بازی گرفته شده است.

این قسمت اول به یک تشریح مختصر و تعیین کننده تاریخی و اجتماعی، که یک جای و مقام بهتر از نظر کلتوری و سمبولیک به حیث راه و چاره نجات به اسلام واگذار شده است، پرداخته خواهد شد. در قسمت دوم تلاش و کوشش می شود تا از لا به لای انالیز و تحلیل ارائه شده به جهت تقویت بخشیدن و استحکام دولت توسط امیر عبدالرحمن خان در دو دهه اخیر قرن نوزدهم میلادی، و نحوه و طرز خاصی که توسط آن بین دربار، قدرت های محلی در ولایات و شخصیت های مذهبی ارتباطات برقرار نمود، نشان داده می شود.

بالاخره در قسمت سوم خواهیم دید، چطور پیدایش یک جانشینی نو در شروع قرن بیستم، مانند نو سازی سیاسی و اجتماعی که منشأ و مبدأ گرامر نو سیاسی است، توسط بحران های که سران قبایلی را با دربار در مخالفت و مقابله قرار داده است، ثابت و پایدار باقی مانده و در این بحران ها شخصیت های مذهبی اهمیت بیشتر نظر به سران قبایلی پیدا نموده در صف اول قرار می گیرند.

اسلام به منزله یک منبع کلتوری، سمبولیک و سیاسی:

اسلام که به حیث یک مجموعه اعتقاد ها و عقاید مذهبی عملی می گردد، مشخص گردیده است و نشان دهنده یک منبع فرهنگی به دلیل تاریخی و اجتماعی که در عین زمان منشأ سمبولیک و سیاسی دارد که هنگام رویداد ها، مانند جنگ علیه اشغالگران انگلیس، نشان دهنده بسیج شدن مسلحانه مردم علیه اشغالگران انگلیس گردیده و نشان دهنده نقش اسلام به حیث یک منبع پایدار و دائمی، به عمل دسته جمعی جنگجویان با وجود تلفات زیاد انسانی توجیه گردید.

بعد از گرفتن قدرت توسط میرویس نیکه و احمد شاه بابا، اسلام یک منبع مشروعیت سیاسی، و این وظیفه اسلام در زمان امیر دوست محمد خان خیلی زیاد گردید.

به صورت قطعی، اسلام در هنگام جنگ های استعماری یک منبع قدرت و قوت شخصیت های مذهبی بوده است.



ادامه دارد

marjan_kamal_islam_wa_eqtidaar_siasi_1.pdf